

مقاله پژوهشی

اثربخشی آموزش شیوه‌های مقابله با استرس بر تعارضات زناشویی در همسران مبتلایان به اختلال استرس پس از ضربه ناشی از جنگ

سید کاوه حجت^۱، موسی‌الرضا طالبی^۲، سمیه ضمیری نژاد^{۳*}، محمد شاکری^۴

^۱استادیار روانپزشکی، مرکز تحقیقات اعتیاد و علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

^۲کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد تنکابن، ایران

^۳کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، مرکز تحقیقات اعتیاد و علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

^۴کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، مرکز تحقیقات اعتیاد و علوم رفتاری، بجنورد، ایران

*نویسنده مسئول: بجنورد، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی خراسان شمالی، مرکز تحقیقات اعتیاد و علوم رفتاری

پست الکترونیک: Somayeh.zamiri@gmail.com

وصول: ۱۳۹۱/۴/۲۰ اصلاح: ۱۳۹۱/۵/۲۱ پذیرش: ۱۳۹۱/۵/۲۵

چکیده

زمینه و هدف: از آنجا که استرس تأثیرات عمده‌ای بر روابط انسانی می‌گذارد داشتن همسری که دارای اختلال استرس پس از ضربه (Post traumatic stress disorder) باشد، می‌تواند موجب افزایش تعارضات زناشویی شود. لذا این تحقیق با هدف بررسی اثربخشی

آموزش روشهای مقابله با استرس بر کاهش تعارضات زناشویی در بین همسران مبتلایان PTSD انجام شد.

مواد و روش کار: در این مطالعه از بین همسران جانبازانی که در پرونده روانپزشکی شان مبتلا به PTSD تشخیص داده شده‌اند ۳۰ نفر به طور تصادفی انتخاب شدند که بطور تصادفی در دو گروه آزمایشی و کنترل قرار داده شدند. گروه آزمایشی برنامه آموزشی شیوه‌های مقابله با استرس را در ۱۲ جلسه دریافت کردند و قبل و بعد از این جلسات پرسشنامه تعارضات زناشویی را پر کردند. داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس و بوسیله نرم افزار SPSS 17 مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت و سطح معنی داری ۰/۰۱ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: یافته‌ها حاکی از این است که بین میانگین گروه آزمایشی و گروه کنترل که روش آموزشی را دریافت نکرده بودند تفاوت معنی داری وجود دارد.

نتیجه گیری: آموزش شیوه‌های مقابله با استرس به همسران افراد مبتلا به PTSD ناشی از جنگ در کاهش تعارضات زناشویی آنان مؤثر است.

واژه‌های کلیدی: آموزش شیوه‌های مقابله با استرس، تعارضات زناشویی، PTSD جنگ

مقدمه

از پا در می‌آورد. این فشار می‌تواند از حوادث و بلاهای طبیعی (زلزله، سیل، طوفان و غیره)، تجربه جنگ، شکنجه و سوانح جدی نظیر تصادف با ماشین یا آتش سوزی ساختمان ناشی شده باشد [۱].

در کشور ایران وجود هشت سال جنگ و استرس‌های ناشی از آن موجب گردیده است تا اختلالات روانی ناشی از استرس‌های جنگ به عنوان اختلال شایعی در رزمندگان و جانبازان و خانواده‌های آنان مطرح گردد [۲]. علیرغم پژوهش‌های گسترده‌ای که نشان می‌دهند که همسران

اختلال استرس پس از سانحه از دسته اختلالات اضطرابی است که بدنبال مواجهه با حوادث آسیب‌زای زندگی بوجود می‌آید و از سه دسته علائم تشکیل شده است: فرد به صورت ترس و درماندگی به این تجربه پاسخ می‌دهد؛ واقعه را دائماً در ذهن خود مجسم می‌کند و در عین حال می‌خواهد از یادآوری آن اجتناب کند و دچار علائم برانگیختگی شدید می‌گردد. فشاری که موجب PTSD می‌شود به قدری ناتوان‌کننده است که تقریباً هر کسی را

یافته‌های مطالعه طولی سالمون^۱ و میکلووینکر^۲ (۲۰۰۶) بیانگر آن است که ۲۳٪ سربازان بدون واکنش استرس جنگ، PTSD توأم با تأخیر را گزارش می‌دهند، همچنین نرخ ابتلا به PTSD سه سال پس از جنگ کاهش یافته و مجدداً ۱۷ سال پس از آن افزایش می‌یابد. بنابراین یافته‌ها، اثرات جنگ، عمیق، مداوم و پیچیده است و با مبتلا کردن افراد بازمانده به PTSD متوقف نمی‌شود، بلکه تا عمق خانواده‌ها و مراقبت کنندگان آن‌ها نیز نفوذ پیدا می‌کند؛ این افراد قربانیان ثانویه نام دارند [۱۱].

تجربه مکرر ضربه روانی رزمنده و همسرش را آشفته می‌کند. ممکن است کابوس‌های شبانه و از خواب پریدن‌های پی در پی او، آن دو را مجبور کند تا در بستر جداگانه‌ای بخوابند و این مسئله می‌تواند صمیمیت جنسی و هیجانی آنها را کم کند و به تبع آن ارتباط کلی شان را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین آنها به واسطه علائم اجتناب، از نظر اجتماعی کاملاً گوشه گیر می‌شوند. نهایتاً وجود علائم افسردگی (که با PTSD هم ابتلائی دارد) و کناره گیری هیجانی در رزمنده منجر می‌شود که به ندرت زوجها در فعالیت‌های لذت بخش با هم باشند و شکاف عمیقی در ارتباط زوجی آنها شکل می‌گیرد [۱۲].

هنگامی که افراد با مشکل روبرو می‌شوند، واکنش‌های مختلفی نشان می‌دهند که این واکنش‌ها جنبه هیجانی، شناختی و گاهی رفتاری دارند. گاهی اوقات ممکن است به حل مشکلات بینجامد یا فرد را از آن دور کنند. این واکنش‌ها در قالب شیوه‌های مقابله، قابل بررسی هستند. به کارگیری روش‌های مقابله‌ای به افراد کمک می‌کند تا بر بسیاری از تعارضات فردی، مشکلات مربوط به روابط اجتماعی، مشکلات جسمانی و روانی غلبه کنند [۱۳]. با توجه به موارد ذکر شده این پژوهش سعی دارد، به بررسی آموزش شیوه‌های مقابله با فشارها و استرس بر همسران دچار شدگان به اختلال استرس پس از سانحه در جنگ پرداخته و اثربخشی این روش‌ها را بر تعارضات زناشویی همسران آنها بسنجد.

روش کار

این مطالعه از نوع تجربی می‌باشد که بر روی ۳۰ نفر از همسران جانبازان مبتلا به اختلال استرس پس از سانحه

سربازان دارای اختلال PTSD سطوح قابل ملاحظه‌ای از پریشانی روانی و زناشویی نشان می‌دهند، اطلاعات تجربی اندکی درباره مکانیسم‌هایی که باعث بوجود آمدن این پریشانی‌ها می‌شود، موجود است [۳].

یافته‌ها حاکی از آن است که معمولاً سربازانی که سالهاست از شرکت آنان در جنگ گذشته است در هماهنگی مجدد با زندگی خانوادگی و روابط زناشویی دچار مشکلاتی می‌گردند. تجربه استرس در سابقه این افراد به عنوان عامل مهم خشونت در خانه و رفتارهای آنی و خصومت آمیز نسبت به همسر گزارش شده است [۴].

بنابراین بروز نشانه‌های اختلال نظیر داشتن احساس خصومت و توانایی ضعیف در کنار آمدن، پرخاشگری یا اجتناب، بخشایش کمتر در برابر خطاهای اطرافیان، تعارض در روابط صمیمی، به ویژه روابط زوجی را در پی دارد و در چرخه‌ای معیوب تهدیدی بر سازگاری و رضایت زناشویی خواهد بود [۵].

در اغلب مطالعات، پژوهشگران پیامدهایی از جمله خشونت بین فردی، اجتناب، اضطراب اجتماعی، نارضایتی زناشویی و خانوادگی و مشکلات شغلی در ارتباط با نشانگان بالینی اختلال استرس پس از سانحه ناشی از جنگ را متذکر شده‌اند [۶، ۷، ۸].

در مطالعه‌ای روی افراد مبتلا به PTSD، پژوهشگران به ارزیابی کیفیت روابط صمیمی سربازان مرد این گروه با سربازان سالم پرداختند. نتایج نشان داد که کارکرد زناشویی سربازان مبتلا به PTSD کمتر از سربازان سالم بود و میزان مشکلات ارتباطی در دسته اول ۳۰٪ و در گروه دوم ۱۱٪ گزارش شد. همچنین سربازان مبتلا به PTSD، سازگاری و ارتباط کمتر و مشکلات صمیمیت بیشتر را با همسرانشان گزارش کردند [۹].

یک گروه پژوهشی در آمستردام، میزان رضایت از روابط زوجی ۷۰۸ همسر سربازان سابق که مبتلا به PTSD بودند را در مقایسه با میزان رضایت همسران سربازانی که مبتلا به این اختلال نبودند مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های این مطالعه حاکی از آن است که گروه اول روابط زناشویی خود را بسیار بدتر و نامطلوب تر از گروه دوم توصیف کردند [۱۰].

1- Solomaon

2 - Mikulincer

نشانی از جنگ در شهرستان بجنورد انجام شد. روش نمونه گیری این پژوهش به صورت تصادفی بود. از بین کلیه همسران جانبازان PTSD که دارای پرونده پزشکی و تشخیص روانپزشکی بر اساس DSM-IV-TR دارای اختلال استرس پس از ضربه در بنیاد حمایت از جانبازان شهرستان بجنورد بودند، ۳۰ نفر بصورت تصادفی انتخاب و به صورت تصادفی در ۲ گروه ۱۵ نفری جایگزین شدند. به گروه آزمایشی شیوه‌های مقابله با استرس در ۱۲ جلسه یک ساعته به صورت هفته ای یک جلسه، آموزش داده شد و گروه کنترل هیچ آموزشی دریافت نکردند. اعضای هر دو گروه قبل و بعد از مداخله پرسشنامه‌های تعارضات زناشویی را تکمیل کردند. برای کم سوادان و بی سوادان سوالات خوانده شد و پاسخ های آنان ثبت گردید. این پرسشنامه یک ابزار ۴۲ سؤالی است که برای سنجش تعارضات زن و شوهری توسط ثنائی ساخته شده است. هر سؤال دارای ۵ گزینه است که از ۱ تا ۵ نمره گذاری می‌شوند. حداکثر نمره قابل کسب در پرسشنامه ۲۱۰ و حداقل آن ۴۲ است. در این ابزار نمره بیشتر به معنی تعارض بیشتر و نمره کمتر به معنی رابطه بهتر است. مطالعات روانسنجی نشان داده است که این پرسشنامه دارای روایی محتوایی مطلوب است. ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۷۱ و برای هفت مقیاس آن از ۰/۶۰ (کاهش رابطه جنسی) تا ۰/۸۱ (کاهش رابطه با خانواده همسر) متغیر بوده است [۱۴].	ششم
شرح مختصر جلسات در زیر آمده است:	جلسه اول
معرفی درمانگر، تعریف استرس، چگونگی اوضاع جسمی در زمان استرس	جلسه دوم
توصیف ارتباط با دیگر افراد	جلسه سوم
تقویت فعالیت بخش تحتانی ریه (تنفس شکمی)، تقویت فعالیت بخش فوقانی ریه (تنفس سینه ای)، هماهنگ کردن فعالیت بخش فوقانی و تحتانی ریه.	جلسه چهارم
آرام سازی	جلسه پنجم
دستیابی به آرامش گذشته، ایجاد یک تصویر آرام بخش، تهیه ی فهرست ذهنی، تحویل مشکلات به ذهن ناهشیار خود، ایجاد خلاء آرام کننده	جلسه ششم
آماده شدن برای خواب	جلسه هفتم
	جلسه هشتم
	جلسه نهم
نتیجه گیری کلی از تمامی جلسات	جلسه دهم
یافته ها	جلسه یازدهم
طبق یافته های این پژوهش دو گروه آزمایشی و کنترل از نظر متغیر های سن و تحصیلات تفاوت معناداری نداشتند. آماره‌های توصیفی گروه ها در جدول ۱ گرد آمده است. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون تحلیل کواریانس استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ خلاصه شده است. مقدار میانگینی پیش آزمون که بوسیله مدل تحلیل کواریانس تعدیل شده است: ۱۰۸/۵۳ بر اساس نتایج بدست آمده از جدول (۴-۶) پس از تعدیل نمرات پیش آزمون، اثر معنی داری عامل بین آزمودنی های گروه وجود دارد (۰/۰۰۵ < p، ۱۲/۷۱۰ = F(۱، ۲۸)، و فرض صفر رد می شود.	جلسه دوازدهم

جدول ۱: توزیع میانگین و انحراف استاندارد گروه کنترل و آزمایش در تعارضات زناشویی

میانگین و انحراف استاندارد	آماره گروه	
۱۰۸,۱۳±۲۵,۴۲۳	پیش آزمون	آزمایشی
۸۹,۶۰±۲۲,۴۷۸	پس آزمون	
۱۰۸,۹۳±۳۳,۹۷۹	پیش آزمون	کنترل
۱۲۱,۹۳±۳۳,۷۲۹	پس آزمون	

جدول ۲: تحلیل کوواریانس

sig	توان آزمون	F	MS	d.f	ss	
۰,۰۰۶	۰,۸۲۰	۸,۹۰۶	۵۶۲۵,۷۷۲	۱	۵۶۲۵,۷۷۲	intercept
۰,۰۰۱	۰,۹۳۰	۱۲,۷۱۰	۸۰۲۸,۸۴۱	۱	۸۰۲۸,۸۴۱	گروه
۰,۰۰۵	۰,۸۴۱	۹,۴۱۱	۵۹۴۴,۸۱۰	۱	۵۹۴۴,۸۱۰	پیش آزمون
			۶۳۱,۶۹۳	۲۷	۱۷۰۵۵,۷۲۳	خطا
				۳۰	۳۶۶۵۵,۱۴۶	کل

(۱۳۸۶)، رضایی و همکاران (۱۳۸۹) با نتایج فوق همسو است [۱۵، ۱۶، ۱۷]. در پژوهشی که به منظور مقایسه اثربخشی روش‌های ایمن‌سازی در برابر استرس در مقابل آموزش روابط بین فردی و مهارت‌های اجتماعی بر بهزیستی روان‌شناختی فرزندان پسر جانبازان مبتلا به استرس پس از سانحه روی ۴۵ نفر از نوجوانان ۱۴-۱۸ ساله شهر اصفهان انجام شد، نتایج حاصل از تحلیل کوواریانس چند متغیره (مانکوا) نشان داد با در نظر گرفتن نمرات پیش آزمون، به عنوان متغیر همپراش، مداخلات با روش ایمن‌سازی در برابر استرس و آموزش مهارت‌های اجتماعی و روابط بین فردی بر روی بهزیستی روان‌شناختی فرزندان پسر جانبازان مبتلا به اختلال استرس پس از سانحه موثر است. به عبارت دیگر می‌توان گفت که مداخله ایمن‌سازی در برابر استرس و آموزش مهارت‌های اجتماعی و روابط بین فردی در مرحله پیش آزمون-پیگیری در عواطف مثبت، عزت نفس، استقلال شخصیتی و در کل بهزیستی روان‌شناختی تاثیر داشته است اما در رضایت از زندگی در مرحله پیش آزمون-پس آزمون و در مرحله پیگیری موثر نبوده است [۱۸]. همچنین در پژوهشی که توسط حسینی

با عنایت به معنی دار شدن تفاوت بین دو گروه میانگین با ۰/۹۹ اطمینان بیان می‌کنیم که فرضیه ارائه شده صحت دارد، یعنی: تعارضات زناشویی همسران مبتلایان PTSD جنگ که تحت آموزش شیوه‌های مقابله با استرس قرار گرفته‌اند کمتر از همسرانی است که تحت آموزش قرار نگرفته‌اند.

بحث

طبق فرضیه این پژوهش تعارضات زناشویی همسران مبتلایان به PTSD جنگ که تحت آموزش شیوه‌های مقابله با استرس قرار گرفته‌اند، متفاوت از همسرانی است که تحت آموزش قرار نگرفته‌اند.

با توجه به F همگنی گروه‌ها نشان داده شد. که گروه‌ها با هم همگنی دارند. پس از تعدیل نمرات پیش آزمون، اثر معنی دار عامل بین آزمودنی‌ها ($p < 0/005$)، $F(1,28) = 12/710$ گروه میانگین تعدیل شده بیان می‌کند که روش درمانی مقابله بر استرس بر روی کاهش تعارضات زناشویی همسران مبتلایان PTSD ناشی از جنگ موثر است. تحقیقات پرایس و استیون (۲۰۰۷)، اصلانی و همکاران

می دانند. لذا بالا رفتن میزان استفاده از الگوی ارتباطی سازنده در جانبازان منجر به افزایش احساس صمیمیت همسرانشان خواهد شد [۲۰]. در بررسی محققان، سطح استرس و حل تعارضات زناشویی رابطه مثبتی وجود داشته و بنابراین احتمال مشاوره های گروهی بر کاهش افسردگی و احساس خستگی پذیری و احساس نارضایتی موثر باشد [۲۱]. علاوه بر این بررسی ها نشان داد که چگونگی مقابله خانواده ها رابطه مستقیمی با سطح استرس و کاهش فشارهای همسران جانبازان مبتلا به اختلال استرس پس از ضربه داشته و کارکرد خانواده را بهبود می بخشد [۲۲].

نتیجه گیری

آموزش شیوه های مقابله با استرس به همسران افراد مبتلا به PTSD ناشی از جنگ در کاهش تعارضات زناشویی آنان مؤثر است.

و مقتدر (۱۳۸۸) بر روی ۴۰ دانشجوی انجام شده بود نشان داد که آموزش راهبردهای مقابله با فشار روانی طی ۹ جلسه ۹۰ دقیقه ای، بر میزان سازگاری اجتماعی دانشجویان موثر است [۱۹].

تحقیقات نشان می دهند اگرچه آشفتگی های ارتباطی روی سلامتی جسمانی مردان و زنان موثر است اما ارتباط میان آشفتگی ارتباطی و سلامتی جسمانی در زنان بیشتر از مردان است؛ در واقع زنان تحت تأثیر آشفتگی های ارتباطی بیشتر دچار دردهای مزمن، ناراحتی قلبی، سرطان و ... می شوند. بنابراین به نظر می رسد بهبود الگوهای ارتباطی بتواند کاهش ابتلای زنان به بیماری های جسمانی را به همراه داشته باشد. از سویی دیگر زنان زمانی که با شوهرانشان بیشتر گفتگو کنند احساس صمیمیت بیشتری دارند، در حالیکه مردان احساس صمیمیت را در انجام فعالیت های مشترک با همسرانشان

References

1. Sadock B, Sadock V, Synopsis of Psychiatry: Behavioral science/clinical psychiatry, Shahre ab-Ayande sazan publication, Tehran 2007.
2. Najafi M, Mohammadifar M, Dabiri S, Erfani N, Kamari, The comparison of life quality between families of veterans with PTSD and Without PTSD, Journal of Veterans medicine 2011; 3(11): 27-35[persian]
3. Renshaw, Keith D, Blais ,Rebecca K, &Caska,Catherine M (2011), Distress in Spouses of Combat Veterans with PTSD: The Importance of Interpersonally Based Cognitions and Behaviors, Risk and Resilience in U.S. Military Families, Part 1, Pages 69-84.
4. Cano A, Vivian D, Life stressors and husband-to-wife violence, Aggression and Violent Behavior 2001, 6, Issue 5: 459-480.
5. McCullough ME, Root LM. Cohen AD, Writing about the benefits of an interpersonal transgression facilitates forgiveness, Journal of Consulting and Clinical Psychology 2006; 74, Issue 5: 887-897.
6. Frueh BCh, Turner SM, Beidel DC, Cahill ShP, Assessment of social functioning in combat veterans with PTSD. Aggression and Violent Behavior 2001; 6, Issue 1: 79-90.
7. Waysman M, Mikulincer M, Solomon Z, Weisenberg M, Secondary traumatization among wives of PTSD combat veterans: A family typology, Journal of Family Psychology 1993; 71: 104-118.
8. Elhai JD, Reeves AN, Frueh BCh, Predictors of mental health and medical service use in veterans presenting with combat-related post traumatic stress disorder, Psychological Services 2004; 1, Issue 2:111-119.
9. Cook JM, Riggs DS, Thompson R, Coyne JC, Sheikh JI, Post traumatic stress disorder and current relationship functioning among world war II ex-prisoners of war, Journal of Family Psychology 2002; 18, Issue 1: 36-45.
10. Dirkzwager AJE, Bramsen I, Ader H, Van der Ploeg HM, Secondary traumatization in partners and parents of dutch peacekeeping soldiers, Journal of Family Psychology 2005; 19, Issue 2:217-226.
11. Dekel R, Goldblat H, Keider M, Solomaon Z, Poliak M , Being a wife of a veteran with post traumatic stress disorder, Family Relations 2005; 54, 1-24.
12. Sherman M, Zanoti D, Jons D, E, Key elements in couple therapy with veterans with combat post traumatic stress disorder, Professional Psychology: Research & Practice, 2005; 36(6), 479-490.
13. Okhovvat L, Kaviani H, ShafiAbadi A, The effectiveness of coping styles training on reducing stress in research center and nuclear technology`s personnel, Journal of recent in cognitive sciences 2002; 4(4).
14. Sanayi B, Family and marriage evaluation scales, Tehran, Besat publication 2000; 74-80[persian]

15. Sherman, Michelle, Freduttr, Lyons, Domestic violence in veterans with post traumatic stress disorder who seek couple therapy, *Journal of marital and family therapy* 2006; 32(4), 479 – 490.
16. Aslani M, Hashemian K, Lotfi Kashani F, Mirzayi J, effectiveness of cognitive behavioral therapy on combat veterans with chronic PTSD, *Journal of Applied Psychology* 2007; 1(3), 6-17[persian].
17. Rezayi M, Yoonesi J, Askari A, Mirzayi J, The Impact of Emotionally Focused Couple Therapy on Improving Communication Patterns in Combat- Related PTSD Veterans & their Wives, *Journal of Family Research* 2010; 43-58[persian]
18. Esmaili M, Kalantari M, Askari K, Molavi H, Mahdavi S, The comparison of effectiveness of the ways of Immunization against stress versus training interpersonal relations and social skills on psychological wellbeing in combat veterans with PTSD s sons, *Iranian Journal of War and Public Health* 2010; 3(10), 1-11[persian]
19. Hoseyni S, Moghtader L, Effectiveness of training coping styles with stress on social compatibility, *Journal Andisheh va Raftar* 2009; 3(12): 66-73[persian]
20. Halford K, short term couple therapy, Fararavan publication 2001.
21. Honarian M, Survey of effectiveness of Beck group cognitive therapy on decreasing veterans depression in Sadr hospital, (Dissertation for Maters degree), Azad Islamic University, oloum tahghighat branch 2005[persian].
22. Tahmasbi S, Mohammadkhani P, Zarei Ali, The role of training stress management on enhancement of family function and reducing stress of veteran's with PTSD wives, Second congress of family pathology 2006[persian].

Archive of SID

Original Article

The effectiveness of training coping styles on combat veterans with PTSD's wives

Hojjat SK¹, Talebi M², Zamiri nejad S^{3*}, Shakeri M⁴

¹ Assistant Professor in North Khorasan University of Medical Science, Addiction and behavioral sciences research center, Bojnurd, Iran.

² M.Sc of General Psychology, Islamic Azad University of Tonekabon, Iran.

³ M.Sc of Clinical Psychology, North Khorasan University of Medical Science, Addiction and behavioral sciences research center, Bojnurd, Iran.

⁴ M.Sc of clinical psychology, Member of faculty in North Khorasan University of Medical Science, Addiction and behavioral sciences research center, Bojnurd, Iran.

***Corresponding Author:**
Bojnurd, North Khorasan
University of Medical Science,
Addiction and Behavioral
Sciences Research Center.
Email:
sodayeh.zamiri@gmail.com

Abstract

Background & Objective: Because of the main effects of stress on human communication, having a spouse with PTSD disorder can increase marital conflicts. So, this study done with the purpose of survey of effectiveness of coping with stress strategies training on decreasing marital conflicts among combat-related PTSD patient's wives.

Material & Methods: In this study 30 persons among wives of combat veterans with PTSD diagnosis are chosen with random selection, and they placed in two groups in random; experimental group and control group. Experimental group had received coping with stress strategies training in 12 sessions, and they filled marital conflict's questionnaire before and after the intervention. Data analyzed with analysis of covariance test and by the SPSS 17, the significance level considered 0.01.

Results: The result shows there is a significant difference between experimental and control groups.

Conclusion: Training coping with stress strategies to combat veterans with PTSD's wives is effective in decreasing their marital conflicts.

Keywords: Training coping styles, Marital conflict, War PTSD

Submitted: 2012 Jul 10

Revised: 2012 Aug 11

Accepted: 2012 Aug 15